

بنیاد بشردوستانه غزه: یک ماشین کشتار دیستوپیایی

در فیلم علمی-تخیلی فرار لوگان محصول ۱۹۷۶، که بر اساس رمانی به همین نام نوشته ویلیام اف. نولان و جرج کلیتون جانسون در سال ۱۹۷۶ ساخته شده است، جامعه‌ای دیستوپیایی آیینی به نام “کاروسل” را اجرا می‌کند، جایی که شهروندان به محض رسیدن به سن ۳۰ سالگی مجبور به شرکت در نمایشی عمومی می‌شوند که نوید بازسازی می‌دهد، اما مرگ را به ارمغان می‌آورد. این مکانیزم تعادل جامعه را با حذف سالمندان برای باز کردن جا برای جوانان حفظ می‌کند، در حالی که در توهم انتخاب و نجات پوشیده شده است. به طور موازی و ترسناک، بنیاد بشردوستانه غزه (GHF)، که در فوریه ۲۰۲۵ برای توزیع کمک‌ها در غزه تأسیس شد، می‌تواند به عنوان معادل مدرن کاروسل در نظر گرفته شود—نظامی که تحت پوشش امداد بشردوستانه، فلسطینیان را در معرض آزمونی مرگبار قرار می‌دهد، آنها را به قمار خطرناک برای بقا مجبور می‌کند، در حالی که به اهداف سیاسی و نظامی گسترده‌تری خدمت می‌کند. این مقاله عملیات GHF را از منظر فرار لوگان بررسی می‌کند، با ترسیم شباهت‌هایی بین مدل توزیع کمک آن و کاروسل دیستوپیایی، و برجسته کردن نظامی‌سازی کمک‌ها، غیرانسانی‌سازی گیرندگان، و کنترل سیستمی که این سیستم امکان‌پذیر می‌کند.

توهم نجات: کاروسل و وعده GHF

در فرار لوگان، کاروسل به عنوان عملی داوطلبانه برای بازسازی معرفی می‌شود، فرصتی برای شهروندان برای صعود به حالتی بالاتر از وجود. اما حقیقت تلخ است: شرکت‌کنندگان تبخیر می‌شوند، و مرگ آنها تخصیص منابع را برای جمعیت باقی‌مانده تضمین می‌کند. به طور مشابه، GHF، که توسط دولت‌های ایالات متحده و اسرائیل حمایت می‌شود، خود را به عنوان یک خط نجات بشردوستانه معرفی می‌کند و ادعا می‌کند که کمک‌ها را مستقیماً به غیرنظامیان غزه می‌رساند در حالی که از دخالت حماس جلوگیری می‌کند. این بنیاد به ارائه بیش از ۵۲ میلیون وعده غذایی در پنج هفته افتخار می‌کند و کار خود را به عنوان راه‌حلی برای شرایط قحطی‌مانند غزه پس از محاصره اسرائیل معرفی می‌کند. اما، مانند کاروسل، این وعده واقعیتی تاریک‌تر را پنهان می‌کند. سیستم توزیع کمک GHF، که از اواخر مه ۲۰۲۵ عملیاتی شده است، توسط بیش از ۱۷۰ سازمان غیردولتی، از جمله آکسفام و نجات کودکان، به عنوان “پاسخ بشردوستانه نیست” محکوم شده است، بلکه مکانیزمی است که جان‌ها را به خطر می‌اندازد.

مدل GHF از فلسطینیان می‌خواهد که مسافت‌های طولانی را از طریق مناطق نظامی‌شده طی کنند تا به تعداد محدودی از مراکز توزیع به شدت محافظت‌شده برسند، اغلب تحت آتش نیروهای اسرائیلی یا پیمانکاران خصوصی. گزارش‌ها حاکی از آن است که بیش از ۶۱۳ فلسطینی کشته و بیش از ۴۲۰۰ نفر زخمی شده‌اند در حالی که به دنبال کمک در این مکان‌ها بوده‌اند، که باعث شده بازماندگان آنها را “تله‌های مرگ” به جای مراکز امداد بنامند. این موضوع بازتاب امید کاذب کاروسل است، جایی که شرکت‌کنندگان با چشم‌انداز بازسازی فریب داده می‌شوند، اما با نابودی مواجه می‌شوند. کمک‌های GHF، در حالی که ظاهراً نجات‌بخش زندگی است، به یک طعمه مرگبار تبدیل می‌شود و ساکنان غزه را مجبور به انتخابی ناامیدکننده می‌کند: گرسنگی بکشند یا جان خود را برای دسترسی به جیره‌های ناچیز به خطر بیندازند.

نظامی‌سازی و کنترل: مکانیک کاروسل

در فرار لوگان، کاروسل نمایشی با کنترل دقیق است که توسط مقامات شهر برای حفظ نظم و اطاعت سازماندهی شده است. توزیع کمک‌های GHF به طور مشابه تحت نظارت نظامی سختگیرانه عمل می‌کند، با نیروهای اسرائیلی و پیمانکاران امنیتی خصوصی مستقر در ایالات متحده، مانند Safe Reach Solutions، که امنیت این مکان‌ها را تأمین می‌کنند. این نظامی‌سازی اصول اساسی بشردوستانه شامل بی‌طرفی، بی‌غرضی، و استقلال را نقض می‌کند، همان‌طور که سازمان ملل و سازمان‌هایی مانند عفو بین‌الملل اشاره کرده‌اند. هماهنگی GHF با مقامات اسرائیلی، که مرزهای غزه و جریان کمک‌ها را کنترل می‌کنند، کمک‌های بشردوستانه را به ابزاری برای استراتژی نظامی تبدیل می‌کند، مشابه با نحوه‌ای که کاروسل به رژیم دیستوپیایی برای کنترل جمعیت خدمت می‌کند.

مراکز توزیع متمرکز GHF—چهار مکان در جنوب و مرکز غزه—عرصه‌ای تکین و کنترل‌شده مانند کاروسل را منعکس می‌کنند. این مراکز، که با سیم‌های خاردار و نقاط نظارتی احاطه شده‌اند، برای فشرده‌سازی فلسطینیان در محوطه‌های نظامی‌شده محدود طراحی شده‌اند و نظارت و کنترل را تسهیل می‌کنند. منتقدان، از جمله پزشکان بدون مرز، این سیستم را به عنوان “کشتارگاهی که به عنوان کمک مبدل شده” توصیف می‌کنند، با توزیع‌های آشوبناک که در آن هزاران نفر برای تأمین منابع محدود رقابت می‌کنند، که اغلب منجر به تلفات جمعی می‌شود. این ساختار به یادآورنده آشوب سازمان‌یافته کاروسل است، جایی که ناامیدی جمعیت، نمایش را تغذیه می‌کند و خشونت سیستمی را پنهان می‌کند.

علاوه بر این، عملیات GHF با اهداف گسترده‌تر اسرائیل هم‌راستا است، که برخی گروه‌های بشردوستانه آن را به تلاش برای آواره کردن فلسطینیان متهم می‌کنند. با محدود کردن کمک‌ها به جنوب غزه و اجبار ساکنان شمال به انجام سفرهای خطرناک، GHF آوارگی را تشدید می‌کند، مشابه با چگونگی حذف جمعیت اضافی توسط کاروسل برای حفظ “تعادل” اجتماعی. سازمان ملل این مدل را به عنوان “غیرانسانی” محکوم کرده و خاطرنشان کرده است که نمی‌تواند نیازهای گسترده غزه را برآورده کند، همان‌طور که کاروسل ثبات سیستمی را بر زندگی افراد اولویت می‌دهد.

غیرانسانی‌سازی و ناامیدی: رنج شرکت‌کنندگان

در فرار لوگان، شرکت‌کنندگان کاروسل از انسانیت خود محروم می‌شوند، به موجوداتی بی‌چهره در آیینی که زندگی آنها را غیرضروری می‌داند، تقلیل می‌یابند. به طور مشابه، سیستم کمک GHF فلسطینیان را غیرانسانی می‌کند و آنها را به جای افرادی با کرامت، به عنوان تهدید می‌بیند. یک پیمانکار سابق GHF از فرهنگی گزارش داد که در آن نگهبانان به ساکنان غزه به عنوان “هوردهای زامبی” اشاره می‌کردند و با گلوله‌های واقعی، نارنجک‌های گیج‌کننده و اسپری فلفل به سمت جمعیت شلیک می‌کردند. این زبان و رفتار، انفصال مجریان کاروسل در فرار لوگان را منعکس می‌کند، که شرکت‌کنندگان را صرفاً به عنوان چرخ‌دنده‌هایی در یک ماشین می‌بینند.

فرآیند توزیع GHF این غیرانسانی‌سازی را تشدید می‌کند. فلسطینیان، از جمله زنان، کودکان و سالمندان، باید مایل‌ها راه بروند تا به مکان‌ها برسند، تنها برای مواجهه با خشونت و آشوب. یک مادر آواره، سماح حمدان، توصیف کرد که چگونه نه مایل پیاده‌روی کرد تا ماکارونی ریخته‌شده را جمع کند، که این موضوع تحقیق‌آمیز بودن این فرآیند را برجسته می‌کند. مانند شرکت‌کنندگان کاروسل، که مجبور به اجرا برای بقای خود هستند، ساکنان غزه به نمایشی تحقیق‌آمیز مجبور می‌شوند، و جان خود را برای تکه‌های غذا به خطر می‌اندازند. رئیس حقوق بشر سازمان ملل، ولکر تورک، این سیستم را “غیرقابل قبول” نامیده و نقض قوانین بین‌المللی را با به خطر انداختن غیرنظامیان برجسته کرده است.

چارچوب دیستوپیایی گسترده‌تر: قدرت و اطاعت

کاروسل در فرار لوگان نه تنها ابزاری برای کنترل جمعیت، بلکه نمادی از قدرت رژیم برای تعیین زندگی و مرگ است. GHF نیز به عنوان ابزاری برای قدرت عمل می‌کند و به اسرائیل و حامیان آمریکایی‌اش اجازه می‌دهد تا منظره بشردوستانه غزه را بازسازی کنند. با کنار زدن آژانس‌های کمک‌رسانی تثبیت‌شده مانند آنروا و برنامه جهانی غذا، GHF زیرساخت‌های بشردوستانه چندین دهه را تضعیف می‌کند و آن را با مدلی سیاسی‌شده و نظامی‌شده جایگزین می‌کند. این موضوع بازتاب حذف کنشگری فردی توسط رژیم دیستوپایی است که اطاعت از یک سیستم تکین و کنترل‌شده را اجبار می‌کند.

رهبری GHF، از جمله چهره‌هایی مانند کشیش جانی مور، مشاور ترامپ با ارتباطاتی با برنامه‌های انجیلی و طرفدار اسرائیل، هم‌راستایی سیاسی آن را تقویت می‌کند. انتصاب مور، پس از استعفای جیک وود به دلیل نگرانی‌هایی درباره بی‌طرفی، نشانه‌ای از تغییر به سمت سیاسی‌سازی آشکار است، مشابه با پایه‌های ایدئولوژیک رژیم در فرار لوگان. بودجه غیرشفاف GHF و نبود شفافیت، همچنین موازی با توطئه‌های مخفی شهر دیستوپایی است، جایی که حقیقت برای حفظ کنترل پنهان می‌شود.

نتیجه‌گیری: برچیدن کاروسل مدرن

بنیاد بشردوستانه غزه، مانند کاروسل در فرار لوگان، یک ماشین کشتار است که در نیک‌خواهی پوشیده شده، اما ریشه در کنترل و خشونت دارد. سیستم توزیع کمک نظامی‌شده آن فلسطینیان را به آیینی مرگبار مجبور می‌کند، جایی که وعده بقا تحت سایه خطر مرگ قرار می‌گیرد. با غیرانسانی‌سازی گیرندگان، متمرکز کردن کنترل، و خدمت به اهداف سیاسی، GHF کمک‌های بشردوستانه را به نمایشی دیستوپایی تبدیل می‌کند و اصولی را که ادعا می‌کند حفظ می‌کند، تضعیف می‌کند. در حالی که بیش از ۱۷۰ سازمان غیردولتی و سازمان ملل خواستار برچیدن آن هستند، قیاس با کاروسل بر فوریت بازسازی سیستم‌های بشردوستانه واقعی که کرامت، بی‌غرضی، و زندگی را در اولویت قرار می‌دهند، تأکید می‌کند. همان‌طور که قهرمانان فرار لوگان به دنبال فرار از سیستم سرکوبگر خود هستند، مردم غزه نیز شایسته راهی برای بقا هستند که از خطرات این ماشین کشتار دیستوپایی آزاد باشد.